

پیش بینی اضطراب جدایی کودکان دبستانی بر اساس ساختار شخصیت و روابط موضوعی مادران  
Predicting separation anxiety in primary school children based on mothers' personality structure and thematic relationships

Melina Sadeghi

Master of Clinical Psychology, Faculty of Medicine, Qom Medical Sciences, Islamic Azad University, Qom, Iran.

Nader Monirpour\*

Associate Professor of Health Psychology Department of Psychology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran. [Monirpour1357@gmail.com](mailto:Monirpour1357@gmail.com)

ملینا صادقی

کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی دانشکده پزشکی، علوم پزشکی قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

نادر منیرپور (نویسنده مسئول)

دانشیار روانشناسی سلامت گروه روانشناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

Abstract

The purpose of this research was to predict the separation anxiety of primary school children based on the personality structure and thematic relationships of mothers. The descriptive research method was correlation type. The statistical population included all primary school children of schools in the 2nd district of Tehran in 2019, and 384 of them were selected using available sampling. The instruments used include the Separation Anxiety Scale (Parent and Child Version) by Han et al. (2003) (SAS), the NEO-FFI Five Factor Questionnaire (1985), and Bell's Thematic Relationship Scale (1995) (BTRS). ) were used for simultaneous analysis and multiple regression analysis. The result of multiple regression analysis showed that about 13% of the variance of children's separation anxiety was accounted for by the variable factors of personality structure (extroversion, openness, agreeableness, and conscientiousness) and The subscales of subjective relationships (alienation, social inadequacy, and self-interview) are predicted ( $P < 0.05$ ). The results showed that extroversion, openness, agreeableness, and conscientiousness have a negative and significant relationship with separation anxiety. Alienation, social incompetence, and self-interference have a positive and significant relationship with separation anxiety ( $P < 0.05$ ). The result of the analysis of variance showed that there is no significant relationship between the separation anxiety of elementary school children and the age of mothers ( $0.05 < P$ ). It is concluded that children's separation anxiety can be predicted based on the personality structure and thematic relationships of their mothers.

**Keywords:** children's separation anxiety, personality structure, thematic relationships of mothers.

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر پیش بینی اضطراب جدایی کودکان دبستانی بر اساس ساختار شخصیت و روابط موضوعی مادران بود. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه کودکان دبستانی مدارس منطقه ۲ شهر تهران در سال ۱۳۹۹ بود که از بین آنها ۳۸۴ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای به کار گرفته شده شامل مقیاس سنجش اضطراب جدایی (نسخه والد و کودک) هان و همکاران (۲۰۰۳) (SAS)، پرسشنامه پنج عاملی شخصیت نشو (۱۹۸۵) (NEO-FFI) و مقیاس روابط موضوعی بل (۱۹۹۵) (BTRS) بودند. جهت تجزیه و تحلیل از رگرسیون چندگانه به روش همزمان استفاده شد. نتیجه حاصل از تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که حدود ۱۳ درصد واریانس اضطراب جدایی کودکان توسط عامل‌های متغیر ساختار شخصیت (برونگرایی، گشودگی، موافق بودن و با وجدان بودن) و زیرمقیاس های روابط موضوعی (بیگانگی، بی کفایتی اجتماعی و خود میان بینی) پیش بینی می شود ( $P < 0.05$ ). نتایج نشان داد که برونگرایی، گشودگی، موافق بودن و با وجدان بودن رابطه منفی و معناداری با اضطراب جدایی دارند. بیگانگی، بی کفایتی اجتماعی و خود میان بینی رابطه مثبت و معناداری با اضطراب جدایی دارند ( $P < 0.05$ ). نتیجه حاصل از تحلیل واریانس نشان داد که بین اضطراب جدایی کودکان دبستانی با سن مادران رابطه معناداری وجود ندارد ( $P > 0.05$ ). نتیجه گیری می شود اضطراب جدایی کودکان بر اساس ساختار شخصیت و روابط موضوعی مادران قابل پیش بینی است.

**واژه‌های کلیدی:** اضطراب جدایی کودکان، ساختار شخصیت، روابط موضوعی مادران.

اختلال اضطراب جدایی<sup>۱</sup> یکی از رایج ترین اختلالات روانی در بین کودکان و نوجوانان است و علائم مکرر گزارش شده آن پریشانی مربوط به جدایی، اجتناب از تنها ماندن یا بدون بزرگسال بودن در هر مکانی و پریشانی هنگام خواب دور از مراقبان یا خانه است. این اختلال از ۸ سالگی آغاز می شود و ممکن است تا اواسط کودکی یا نوجوانی ادامه یابد و می تواند هم برای کودکان و هم برای مراقبان از جمله نگرانی بی دلیل، مشکلات خواب، استرس در محیط های اجتماعی و آموزشی و انواع علائم جسمی که کیفیت زندگی را پایین می آورد را به همراه داشته باشد (هو<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۲۰). در حالت ایده آل، اضطراب جدایی کودکان از دورانی که کودک نوپای است تا پیش دبستانی دوام می آورد (آدیلاخ و سامانتری<sup>۳</sup>، ۲۰۱۶). کودکانی که علائم اضطراب جدایی دارند، پرخاشگری یا عصبانیت نسبت به والدینشان یا هر شرایطی که باعث شود آنها از والدین خود جدا شوند نشان می دهند (آستوتی<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۲۰). رابطه با مادر برای دستیابی به رشد روانشناختی ضروری است. به همین ترتیب، نوزادان در دنیا متولد می شوند و درحالی که با محیط روانی، عاطفی و اکولوژیکی والدین خود ارتباط برقرار می کنند، می خوابند و به تدریج به عنوان یک شخص رشد می کنند. اختلال اضطراب جدایی زمانی مطرح می شود که اضطرابی مفرط و نامتناسب با سطح تحول و هنگام جدایی از شخص مورد دلستگی بروز پیدا کند (گرازانی<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۱۵).

در ارتباط با علل و عوامل اثرگذار بر اختلال اضطراب جدایی، برخی از صاحب نظران معتقد هستند که خانواده و به خصوص ویژگی های شخصیتی و روانی مادر یکی از عوامل مهمی است که باید مورد مطالعه قرار گیرد (لیم و بون<sup>۶</sup>، ۲۰۱۹). اضطراب کودک در رابطه با مادر متأثر از رفتار مادرانه، حساسیت و پاسخ دهی وی و شیوه ابراز هیجان های وی بویژه ویژگی شخصیتی می باشد (صفایی راد و همکاران، ۱۳۹۷). شخصیت یک سازه کلی است که از مجموعه ویژگی های فردی تشکیل می شود و به سه عامل تفکر، عواطف، و رفتارهای بیرونی قابل مشاهده اشاره دارد که در تعامل با عناصر محیط، ایفای نقش می کنند. مادران با ویژگی های شخصیتی خود، آفریننده موقعیت هایی هستند که رفتارهای خاص را در فرزندان برمی انگیزند و یا سرمشق هایی را برای الگوسازی در اختیار آنها قرار داده و یا به تشویق دسته ای خاص از رفتارها می پردازند (کارواله<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۲۰). والدین با ویژگی های شخصیتی خود، آفریننده موقعیت هایی هستند که رفتارهای خاص را در فرزندان برمی انگیزند و یا سرمشق هایی را برای الگوسازی در اختیار آنها قرار داده و یا به تشویق دسته ای خاص از رفتارها می پردازند و مطالعات نشان داده اند که صفات شخصیتی والدین تأثیر پایداری در سازش یافتگی و اختلالات رفتاری کودکان دارند (سانگ<sup>۸</sup> و همکاران، ۲۰۱۵) تعداد زیادی از مطالعات نشان داده اند که صفات شخصیتی مادران تأثیر پایداری در سازش یافتگی و اختلالات رفتاری کودکان دارند (اورگیلز<sup>۹</sup> و همکاران، ۲۰۱۸).

حساس بودن و پاسخ دهی در دسترس بودن مادر با فرآیند کیفیت روابط موضوعی فرزندان با دیگران در تعامل اند و ارتباط مثبت با یکدیگر دارد با کاهش نشانه های اضطرابی و در مقابل، تعارض و سردرگمی مادر در برابر کودک با نشانه های اضطراب جدایی همراه است. (وایت و وین<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۵). مادر مضطرب، مهارت کمتری از حد و طرد عاطفی کودک با افزایش نشانه های اضطرابی کودک همراه است (آلپرت<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۴). از سویی دیگر پژوهش هایی که انجام شد نشان دادند که مراقبت مادرانه که در برگیرنده گرمی و روابط مثبت مادر- کودک است با کاهش مشکلات اضطرابی و فزون حمایت گری مادرانه که بیانگر حمایت، مداخله و مهارت بیشتر از حد کودک است با افزایش مشکلات اضطرابی و شکایت جسمانی مشارکت دارد (ذراتی و همکاران، ۱۳۹۹). کودک از طریق تعامل با افراد حقیقی که در محیط اطرافش حضور دارند رشد می کند و از این رهگذر کیفیت روابط موضوعی و مجموعه ای از مکانیزم های دفاعی و توانمندی ها در کودک شکل می گیرد

1 . separation anxiety disorder (SAD)

2 . Hu

3 . A'dilalah &amp; Somantri

4 . Astuti

5 . Grazzani

6 . Lim &amp; Boon

7 . Carvalho

8 . Song, Song &amp; Lee

9 . Orgilés

10 . Wayt &amp; Wein

11 . Alpert

و برنحوه‌ی پیش‌بینی افراد بزرگسال از رویدادهای بین‌فردی محیط و برداشتی که آنها از این رویدادها دارند تاثیر می‌گذارد. ماهیت این روابط موضوعی و کیفیت تحولی مکانیزم‌های دفاعی در واقع ساختار شخصیتی و مدیریت سیستم روانی فرد را تحت تاثیر قرار می‌دهد؛ بنابراین کودک بایستی برای تحمل اضطراب و مشکلات روزمره راه و روش‌هایی داشته باشد تا در کنار فشارهای روانی ارزشمند واقع شوند و بتوانند رویدادها را تحت کنترل خود درآورند (احمدی و همکاران، ۱۳۹۹).

در مجموع با توجه به آنچه اشاره شد می‌توان گفت که برخی از ویژگی‌ها و حالات روانی والدین مانند ساختار شخصیتی و روابط موضوعی تأثیراتی بر اضطراب جدایی کودکان دبستانی دارند؛ اما در این میان کمتر مطالعه‌ای به بررسی رابطه این حالت‌های روانشناختی والدین بر سلامت روانی کودکان پرداخته است، بنابراین، با توجه به مطالب ذکر شده و این مسئله که لازم است به سلامت روانی- جسمانی این قشر بزرگ بیشتر توجه شود و گام‌های اساسی برای پیشگیری و درمان بیماری‌ها و اختلالات روانی و رفتاری آنان برداشته شود، همچنین به دلیل خلاء پژوهشی موجود، پژوهش حاضر به پیش‌بینی اضطراب جدایی کودکان دبستانی بر اساس ساختار شخصیت و روابط موضوعی مادران پرداخته و هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی اضطراب جدایی کودکان دبستانی بر اساس ساختار شخصیت و روابط موضوعی مادران بود.

## روش

پژوهش حاضر از نظر هدف جزء تحقیقات بنیادی و از نظر روش جزء تحقیقات توصیفی-همبستگی محسوب می‌شود. جامعه پژوهش حاضر شامل تمامی کودکان دبستانی مدارس منطقه ۲ شهر تهران و مادران آنها در سال ۱۴۰۰ بود. با توجه به ماهیت موضوع پژوهش و جامعه آماری مورد مطالعه از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد (این روش با توجه به محدودیت تردد هنگام جدی شدن خطر کرونا در ایران انتخاب شد) و بر اساس جدول مورگان، برای جامعه بالای صد هزار نفر، ۳۸۴ نفر به عنوان حجم نمونه تعیین گردید. معیارهای ورود شرکت‌کنندگان شامل: داشتن انگیزه شرکت در پژوهش، زندگی با هر دو والد، نداشتن مشکل جسمانی و روانی حاد و داشتن حداقل سواد خواندن و نوشتن (برای مادران که در این پژوهش حداقل سطح تحصیلات سیکل در نظر گرفته شد) و معیارهای خروج شرکت‌کنندگان شامل: انصراف از شرکت در پژوهش، عدم تکمیل مناسب پرسشنامه‌ها و تک سرپرست بودن بود. پرسشنامه‌ها در اختیار مادران کودکان قرار داده شد و توضیحات لازم در زمینه تکمیل پرسشنامه‌ها و اهمیت پژوهش حاضر به آنها داده شد و آزمودنی‌ها پس از جلب رضایت و همکاری در این پژوهش شرکت کردند و از آنها خواسته شد پرسشنامه‌ها را تکمیل کنند و از آنجا که به دلیل شیوع ویروس کرونا و رعایت مسائل بهداشتی در شهر تهران مدارس تعطیل بود و کلاس‌ها به صورت آنلاین برگزار گردید لذا محقق از طریق در اختیار قرار دادن پرسشنامه‌ها به صورت آنلاین به آزمودنی‌ها، داده‌های مورد نیاز برای پژوهش را کسب نمود حصول اطمینان مسئولین و دستیاران پژوهش از محرمانه ملندن اطلاعات مربوط به شرکت‌کنندگان و توضیح کامل اهداف پژوهش به شرکت‌کنندگان در پژوهش داده شد. داده‌های حاصل از پژوهش با استفاده از SPSS نسخه ۲۶ و روش آماری تحلیل رگرسیون چند گانه به روش همزمان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

## ابزار سنجش

مقیاس سنجش اضطراب جدایی (نسخه والد و کودک) (SAS): این مقیاس توسط هان<sup>۱</sup> و همکاران در سال ۲۰۰۳ ساخته شد. این مقیاس دارای دو فرم والد و کودک است که هر کدام با ۳۴ ماده، ابعاد خاص اضطراب جدایی دوران کودکی را بر اساس ملاک‌های تشخیصی متن تجدیدنظر شده چهارمین راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی اندازه‌گیری می‌کند. فرم والدین مقیاس سنجش اضطراب جدایی ابزاری ۳۴ ماده‌ای است که توسط پدر یا مادر تکمیل می‌شود. محدودیت زمانی برای پاسخ به مقیاس وجود ندارد. پاسخ دهندگان فراوانی نشانه‌های اضطراب جدایی در هر یک از ماده‌های مقیاس را بر مبنای مقیاس ۴ درجه‌ای از ۱ (هرگز) تا ۴ (همیشه) درجه بندی می‌کنند. چهار بعد اصلی این ابزار ترس از تنها ماندن، ترس از رهاشدن، ترس از بیماری جسمی و نگرانی درباره حوادث خطرناک است. علاوه بر این، مقیاس سنجش اضطراب جدایی دو زیرمقیاس پژوهشی فراوانی حوادث خطرناک و فهرست نشانه‌های امنیت را نیز دربر می‌گیرد. داده‌های اولیه از اعتبار، روایی و کاربرد بالینی این مقیاس حمایت می‌کنند (هان و همکاران، ۲۰۰۳؛ به نقل از طلائی

1. Separation Anxiety Scale

2. Hahn

نژاد، (۱۳۹۷). در ایران در پژوهش مفرد و همکاران (۱۳۹۰؛ به نقل از طلایی نژاد، ۱۳۹۷)، ضرایب آلفای کرونباخ نسخه کودک این ابزار برای نمره کل و زیرمقیاس های ترس از تنها بودن، ترس از رهاشدن، ترس از بیماری جسمی و نگرانی درباره حوادث خطرناک به ترتیب برابر با ۰.۹۴، ۰.۹۳، ۰.۹۰، ۰.۸۲، ۰.۸۳ به دست آمد. ویژگی های روان سنجی فرم والدین مقیاس سنجش اضطراب جدایی علاوه بر بررسی در فرهنگ های دیگر در ایران نیز آزمون و تایید شد.

**پرسشنامه پنج عاملی شخصیت (NEO-FFI):** این پرسشنامه در سال ۱۹۸۹ و توسط مک کری تدوین شده است. این پرسشنامه حاوی ۵ حیطه و ۶۰ سوال است. این حیطه ها به ترتیب عبارتند از: روان رنجورخویی (N)، برون گرایی (E)، تجربه پذیری (O)، توافق پذیری (A) و وجدان گرایی (C). هر یک از این پنج حیطه با ۱۲ سؤال سنجیده می شود (کاستا و مک کری، ۱۹۸۹). نمره گذاری این پرسشنامه بر روی مقیاس پنج درجه ای لیکرت (از ۰ تا ۴) انجام می شود. کاستا و مک کرا (۱۹۹۲)، ضریب آلفای کرونباخ را بین ۰/۶۸ (برای موافق بودن) تا ۰/۸۶ (برای روان رنجوری) گزارش کرده اند. به منظور روایی همگرای این پرسشنامه جان و همکاران (۱۹۹۹) همزمان از گزارش دوستان، گزارش شخصی و برای بررسی روایی ملاک از مقیاس NEO-PI-R استفاده کردند که برای روان رنجوری ۰/۷۵، برای برون گرایی (۰/۸۰)، تجربه گرایی (۰/۷۴)، توافق پذیری ۰/۷۱ و وجدان گرایی (۰/۷۷) گزارش شد (مک کرا و همکاران، ۲۰۰۴). پرسشنامه پنج عاملی شخصیتی نئو، در ایران توسط گروسی (۱۳۷۷) هنجاریابی شده است. اعتبار این پرسشنامه با استفاده از روش آزمون-آزمون مجدد در مورد ۲۰۸ نفر از دانشجویان به فاصله سه ماه به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۷۵، ۰/۸۰، ۰/۷۹ و ۰/۷۹ به ترتیب برای عوامل روان رنجورخویی، برون گرایی، گشودگی، خوشایندی و وظیفه شناسی به دست آمد (فتحی آشتیانی، ۱۳۹۸)، ضرایب روایی گزارش شده در پژوهش گروسی و همکاران (۱۳۷۷) به ترتیب برای روان رنجوری ۰/۹۰، برون گرایی ۰/۸۳، تجربه گرایی (۰/۸۵)، توافق پذیری ۰/۹۷ و وجدان گرایی ۰/۹۶ گزارش شد. آلفای کرونباخ گزارش شده در پژوهش حاضر به ترتیب برای روان رنجورخویی (۰/۸۳)، برون گرایی (۰/۶۸)، گشودگی (۰/۷۵)، خوشایندی (۸۰) و وظیفه شناسی (۰/۷۱) گزارش شد.

**مقیاس روابط موضوعی بل<sup>۱</sup> (BTRS):** این مقیاس توسط بل در سال ۱۹۸۶ ساخته شده است و دارای ۴۵ گویه با پاسخ دهی به صورت درست و نادرست است که روابط موضوعی را در قالب چهار عامل دلبستگی ناایمن، بیگانگی، بی کفایتی اجتماعی و خودمیان بینی می سنجد. بل (۱۹۹۵) ضرایب اعتبار بازآزمایی ۴ هفته ای خرده مقیاس های آن را ۰/۵۸ تا ۰/۹۰ و همسانی درونی آن ها را ۰/۷۸ تا ۰/۹۰ گزارش کرده است. روایی این مقیاس نیز از طریق سنجش همبستگی آن با مقیاس های مختلف مانند مقیاس درجه بندی روان پزشکی مختصر، نشانگان مثبت و منفی، پرسشنامه چند محوری بالینی میلون، پرسشنامه چند وجهی شخصیت مینه سوتا- ۲ و فهرست تجدید نظر شده ۹۰ گویه ای نشانه های بیماری تایید شده است (۱۳). به عنوان نمونه، میزان همبستگی های معنادار مقیاس روابط موضوعی بل با مقیاس درجه بندی روان پزشکی مختصر بدین ترتیب گزارش شده است: بیگانگی با به هم ریختگی مفهومی و هیجان (۰/۳۰ و ۰/۲۶)، دلبستگی ناایمن با احساس گناه (۰/۲۸)، بی کفایتی اجتماعی با نگرانی جسمی، خصومت، بدگمانی، هیجان و عاطفه کننده شده (۰/۴۶)، ۰/۴۳، ۰/۳۱، ۰/۳۰، ۰/۳۱)، همچنین همه چهار خرده مقیاس در مقیاس روابط موضوعی بل با خلق افسرده همبستگی معنادار داشتند (۰/۲۷ - ۰/۳۷)؛ میزان همبستگی ها میان خرده مقیاس های آن با اغلب خرده مقیاس های فهرست تجدید نظر شده ۹۰ گویه ای نشانه های بیماری نیز معنادار (۰/۲۶ - ۰/۵۸) بوده است (۱۳). در ایران در پژوهش مسگریان و همکاران (۱۳۹۶) اعتبار عوامل مقیاس با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۷ - ۰/۶۶، ضریب اعتبار دو نیمه کردن ۰/۷۷ - ۰/۶۰ و تنای ترتیبی کل مقیاس ۰/۸۶ به دست آمد. روایی صوری و محتوایی، با استفاده از نظر کارشناسان و اساتید وروایی واگرا و همگرایان نیز با استفاده از آزمون تحلیل عاملی مورد سنجش و تایید گرفت. برای محاسبه پایایی آن از آلفای کرونباخ استفاده گردید که پایایی آن در بعد دلبستگی ناایمن، بیگانگی، بی کفایتی اجتماعی و خودمحوری به ترتیب ۰/۶۹، ۰/۶۶، ۰/۷۴ و ۰/۷۷ گزارش شد.

## یافته ها

۳۸۴ نفر از کودکان دبستانی مدارس منطقه ۲ شهر تهران در پژوهش حاضر شرکت کرده اند که ۱۹۷ نفر (۵۱/۳٪) از آن ها دختر و ۱۸۷ نفر (۴۸/۷٪) پسر بودند؛ میانگین گزارش شده برای سن مادران ۳۵/۷ با انحراف معیار ۴/۳۲ بود؛ حداقل سن گزارش شده برای مادران شرکت کننده ۲۵ و حداکثر سن زارش شده ۴۰ سال بود. میزان تحصیلات ۷۰ نفر (۱۸/۲٪) از مادران زیر دیپلم، ۱۷۰ نفر (۴۴/۳٪)

دیپلم، ۳۲ نفر (۸/۳٪) کاردانی، ۸۱ نفر (۲۱/۱٪) کارشناسی و ۳۱ نفر (۸/۱٪) کارشناسی ارشد و بالاتر می باشد. ۱۱۷ نفر (۳۰/۵٪) از مادران شاغل و ۲۶۷ نفر (۶۹/۵٪) بیکار می باشند.

جدول (۱) یافته‌های توصیفی عامل‌های متغیر ساختار شخصیت (روان رنجوری، برونگرایی، گشودگی، موافق بودن و با وجدان بودن)، زیرمقیاس‌های روابط موضوعی (دلبستگی نایمن، بیگانگی، بی کفایتی اجتماعی و خود میان بینی) و اضطراب جدایی را نشان می‌دهد.

جدول ۱. ماتریس همبستگی پیرسون بین متغیرها

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۱									
۲	۰/۰۹	۱								
۳	-۰/۰۱	-۰/۰۱	۱							
۴	۰/۰۶	۰/۰۵	-۰/۰۲۶	۱						
۵	۰/۰۰۶	۰/۰۲	۰/۰۶۴	۰/۰۰۳	۱					
۶	*۰/۱۰	-۰/۰۰۶	-۰/۰۰۸	۰/۰۵	-۰/۰۵	۱				
۷	۰/۰۲	-۰/۰۴	-۰/۰۲۰	۰/۰۵	-۰/۰۸	**۰/۳۹	۱			
۸	۰/۰۳	*۰/۱۱	۰/۰۲۴	۰/۰۲	-۰/۰۱	**۰/۱۳	۰/۰۳	۱		
۹	*۰/۱۰	-۰/۰۴	-۰/۰۵۳	-۰/۰۱	-۰/۰۴	**۰/۳۸	**۰/۲۱	۰/۰۳	۱	
۱۰	*۰/۱۱	*-۰/۱۱	**۰/۱۴۳	**۰/۱۳	**۰/۲۰	۰/۰۵	**۰/۱۵	۰/۰۹	**۰/۱۴	۱
میانگین	۲۰/۶	۳۰/۷	۲۸/۰۴	۳۱/۵۲	۳۱/۴۴	۵/۶۶	۶/۰۸	۳/۲۲	۶/۰۱	۵۵/۳۵
انحراف استاندارد	۲/۴۰	۳/۷۸	۵/۴۰	۳/۶۶	۲/۸۸	۰/۶۴۷	۱/۷۵	۱/۸۸	۳/۶۱	۳/۴۸
کجی	۱/۳۵	-۰/۲۰۲	۰/۰۱۳	-۰/۱۱	۰/۰۷	-۰/۰۳	-۰/۵۴	-۰/۸۸	۰/۶۱	۰/۲۵
کشیدگی	-۰/۸۳	۱/۳۹	-۰/۶۶	-۰/۴۷	-۰/۱۸	-۰/۲۴	-۰/۸۳	۰/۰۶	۰/۱۶	۰/۳۴

۱-روان رنجوری، ۲- برونگرایی، ۳- گشودگی، ۴- موافق بودن، ۵- با وجدان بودن، ۶- دلبستگی نایمن، ۷- بیگانگی، ۸- بی کفایتی اجتماعی، ۹- خود میان بینی، ۱۰- اضطراب جدایی.

در جدول (۱)، نشان داده شد بین برونگرایی، گشودگی، موافق بودن، با وجدان بودن با اضطراب جدایی کودکان رابطه منفی و معناداری وجود دارد؛ همچنین بین بیگانگی و خود میان بینی با اضطراب جدایی کودکان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بین دلبستگی نایمن و بی کفایتی اجتماعی با اضطراب جدایی کودکان رابطه معناداری وجود ندارد ( $p > 0.05$ ). برای بررسی نرمال بودن داده‌ها از آزمون کالموگراف استفاده شد. مقدار سطح معناداری متغیرهای پژوهش یعنی برونگرایی ( $F=0.02, p > 0.05$ )، گشودگی ( $F=0.11, p > 0.05$ )، موافق بودن ( $F=0.52, p > 0.05$ )، با وجدان بودن ( $F=1.1, p > 0.05$ )، بیگانگی ( $F=1.2, p > 0.05$ )، بی کفایتی اجتماعی ( $F=1.3, p > 0.05$ )، خود میان بینی ( $F=0.09, p > 0.05$ ) و اضطراب جدایی ( $F=0.06, p > 0.05$ ) روان رنجوری ( $F=0.13, p > 0.05$ ) و دلبستگی نایمن ( $F=0.08, p > 0.05$ ) بزرگتر از  $0.05$  می‌باشد. بنابراین نتیجه می‌گیریم توزیع نمرات متغیرهای پژوهش نرمال است.

جدول ۳. خلاصه مدل رگرسیون چندگانه عامل‌های متغیر پژوهش

DW	Beta	R <sup>2</sup>	R	شاخص‌های آماری متغیرهای وارد شده
۲/۲۶۴	۰/۱۱۳	۰/۱۳۰	۰/۳۶۰	عامل‌های متغیر ساختار شخصیت زیرمقیاس‌های روابط موضوعی

همانطور که در جدول (۳) مشاهده می‌شود، آماره دوربین و اتسون ۲/۲۶۴ بدست آمده است. چون مقدار آن به ۲ نزدیک می‌باشد، لذا مشکل خود همبستگی وجود ندارد. همچنین طبق جدول (۴-۱۳) مفروضه‌های هم خطی چندگانه از طریق آماره ترانس و VIF (تورم

واریانس) بررسی شد. نتایج نشان داد که هم خطی چندگانه بین متغیرهای پیش بین وجود ندارد (اگر مقادیر تیرانس و VIF به عدد یک نزدیک باشد، نشان دهنده عدم وجود هم خطی می باشد). در تحلیل رگرسیون، عامل‌های متغیر ساختار شخصیت (برونگرایی، گشودگی، موافق بودن و با وجدان بودن) و زیرمقیاس های روابط موضوعی (بیگانگی، بی کفایتی اجتماعی و خود میان بینی) با اضطراب جدایی دارای همبستگی چندگانه می باشند که مقدار ضریب همبستگی برابر با ۰/۳۶۰ است. با توجه به مقدار مجذور ضریب همبستگی (۰/۱۳۰) حدود ۱۳ درصد واریانس اضطراب جدایی کودکان توسط عامل‌های متغیر ساختار شخصیت (برونگرایی، گشودگی، موافق بودن و با وجدان بودن) و زیرمقیاس های روابط موضوعی (بیگانگی، بی کفایتی اجتماعی و خود میان بینی) پیش بینی می شود.

جدول ۳. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه عامل‌های متغیر ساختار شخصیت و زیر مقیاس‌های روابط موضوعی در پیش‌بینی اضطراب جدایی کودکان

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F آماره	سطح معناداری
رگرسیون	۶۰۴/۱۷۰	۷	۸۶/۳۱۰	۷/۹۹۵	۰/۰۰۱
باقیمانده	۴۰۵۹/۰۷۰	۳۷۶	۱۰/۷۹۵	-	-
کل	۴۶۶۳/۲۴۰	۳۸۳	-	-	-

طبق جدول (۳)، تحلیل واریانس، اعتبار رگرسیون چندگانه را در پیش بینی اضطراب جدایی کودکان ( $F=7/995$  و  $p<0/05$ ) تأیید می کند و نشان می دهد متغیرهای پیش بین یعنی ساختار شخصیت و روابط موضوعی توان پیش بینی اضطراب جدایی در کودکان را دارد.

جدول ۴. ضرایب رگرسیون عامل‌های متغیر پژوهش

شاخص‌های آماری	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد		مفروضه‌های هم خطی	
	ضریب رگرسیونی	خطای معیار	بتا	t	تولرانس	VIF
مقدار ثابت	۶۹/۲۷۲	۲/۸۷۸	-	۲۴/۰۶۹	۰/۰۰۰	-
برونگرایی	-۰/۱۰۱	۰/۰۴۵	-۰/۱۱۰	-۲/۲۵۸	۰/۰۲۵	۱/۰۲۱
گشودگی	-۰/۰۸۵	۰/۰۳۱	-۰/۱۳۲	-۲/۷۳۱	۰/۰۰۷	۱/۰۰۹
موافق بودن	-۰/۱۳۴	۰/۰۴۶	-۰/۱۴۱	-۲/۹۲۰	۰/۰۰۴	۱/۰۰۸
با وجدان بودن	-۰/۲۱۴	۰/۰۵۹	-۰/۱۷۷	-۳/۶۵۸	۰/۰۰۱	۱/۰۱۴
بیگانگی	۰/۲۲۱	۰/۰۹۹	۰/۱۱۱	-۲/۲۴۶	۰/۰۲۵	۱/۰۶۱
بی کفایتی اجتماعی	۰/۱۹۵	۰/۰۹۰	۰/۱۰۵	۲/۱۶۴	۰/۰۳۱	۱/۰۱۷
خود میان بینی	۰/۰۹۴	۰/۰۴۸	۰/۰۹۸	۱/۹۷۶	۰/۰۴۹	۱/۰۵۵

طبق جدول (۵)، برونگرایی، گشودگی، موافق بودن و با وجدان بودن با ضریب رگرسیونی به ترتیب برابر با (-۰/۱۰۱)، (-۰/۰۸۵)، (-۰/۱۳۴) و (-۰/۲۱۴) رابطه منفی و معناداری با اضطراب جدایی دارند ( $p<0/05$ ). بیگانگی، بی کفایتی اجتماعی و خود میان بینی با ضریب رگرسیونی به ترتیب برابر با (۰/۲۲۱)، (۰/۱۹۵) و (۰/۰۹۴) رابطه مثبت و معناداری با اضطراب جدایی دارند ( $p<0/05$ ). طبق معادله رگرسیون، به ازای هر واحد که به برونگرایی، گشودگی، موافق بودن و با وجدان بودن افزوده می شود؛ به ترتیب به میزان (۰/۱۰۱)، (۰/۰۸۵)، (۰/۱۳۴) و (۰/۲۱۴) اضطراب جدایی کاهش می یابد. به ازای هر واحد که به بیگانگی، بی کفایتی اجتماعی و خود میان بینی افزوده می شود به ترتیب به میزان (۰/۲۲۱)، (۰/۱۹۵) و (۰/۰۹۴) اضطراب جدایی افزایش می یابد. از بین متغیرهای پژوهش، با وجدان بودن ( $\beta=0/177$ ) در پیش بینی اضطراب جدایی در رتبه اول، موافق بودن ( $\beta=0/141$ ) در رتبه دوم و خود میان بینی ( $\beta=0/098$ ) در رتبه آخر قرار دارد. بنابراین فرضیه فوق پذیرفته شده و نتیجه گرفته می شود که ساختار شخصیت (برونگرایی، گشودگی، موافق بودن و با وجدان بودن) و روابط موضوعی (بیگانگی، بی کفایتی اجتماعی و خود میان بینی) مادران توان پیش بینی اضطراب جدایی کودکان دبستانی را دارند.

## بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی پیش‌بینی اضطراب جدایی کودکان دبستانی بر اساس ساختار شخصیت و روابط موضوعی مادران بود. یافته پژوهش نشان داد که حدود ۱۳ درصد واریانس اضطراب جدایی کودکان توسط عامل‌های متغیر ساختار شخصیت (برونگرایی، گشودگی، موافق بودن و با وجدان بودن) و زیرمقیاس‌های روابط موضوعی (بیگانگی، بی‌کفایتی اجتماعی و خود میان‌بینی) پیش‌بینی می‌شود. همچنین تحلیل واریانس، اعتبار رگرسیون چندگانه را در پیش‌بینی اضطراب جدایی کودکان تأیید کرد. نتایج نشان داد که برونگرایی، گشودگی، موافق بودن و با وجدان بودن رابطه منفی و معناداری با اضطراب جدایی دارند. بیگانگی، بی‌کفایتی اجتماعی و خود میان‌بینی رابطه مثبت و معناداری با اضطراب جدایی دارند. از بین متغیرهای پژوهش، با وجدان بودن در پیش‌بینی اضطراب جدایی در رتبه اول، موافق بودن در رتبه دوم و خود میان‌بینی در رتبه آخر قرار دارد. بنابراین فرضیه فوق پذیرفته شده و نتیجه گرفته می‌شود که ساختار شخصیت (برونگرایی، گشودگی، موافق بودن و با وجدان بودن) و روابط موضوعی (بیگانگی، بی‌کفایتی اجتماعی و خود میان‌بینی) مادران توان پیش‌بینی اضطراب جدایی کودکان دبستانی را دارند. نتایج پژوهش با پژوهشگرانی همچون راشدی و همکاران (۱۳۹۹)، صمدی و همکاران (۱۳۹۶)، میر صادقی و همکاران (۱۳۹۷)، ابوالعالی‌الحسینی و محمدی تبارکاسگری (۱۳۹۵)، عباسی و همکاران (۱۳۹۵) آستوتی و همکاران (۲۰۲۰) مابیلیا و همکاران (۲۰۱۹) هیرن و همکاران (۲۰۱۳) همسو می‌باشد.

در تبیین یافته فوق می‌توان گفت که ویژگی‌های شخصیتی مادر و اختلالات رفتاری و هیجانی کودکان یک رابطه دو سویه دارند، بدین صورت که ویژگی‌های شخصیتی مادر موجب بروز چرخه معیوب در روابط والد-کودک شده که خود را در قالب سبک‌های فرزندپروری نشان می‌دهد و از سوی دیگر رفتارهای فرزندان موجب می‌شود که مادر در راستای صفات شخصیتی خود واکنش نشان دهد و این چرخه مدام به واسطه رفتارهای مادر-کودک تکرار می‌شود همچنین در نظریه روابط موضوعی یا روابط ایزه، بر روابط کودک با دیگران متمرکز است و به این مسئله اشاره دارد که اگر کودک مراحل رشد خود را با موفقیت و بدون آسیب‌های روانشناختی پشت سر گذاشته باشد، می‌تواند با دیگر انسان‌ها ارتباط کامل برقرار کند. بنابراین بر اساس این نظریه، مهارت‌های ارتباطی کودک به شدت در روابط اولیه او با والدین به خصوص مادر، ریشه دارد. بنابراین توانایی تشخیص این که موضوع (مادر) در اثر ندیدن آن تغییر نمی‌کند را ثبات موضوع می‌گویند و نوزادان ثبات موضوع را وقتی والدین برای مدت کوتاهی آنها را ترک می‌کنند و سپس باز می‌گردند، یاد می‌گیرند و دچار اضطراب جدایی نمی‌شوند و در کودکان دارای اضطراب جدایی، مسئله عدم اطمینان از ثبات موضوع است که منجر به اضطراب در کودک می‌گردد. پژوهش‌های راشدی و همکاران (۱۳۹۹) نشان دادند که بین ویژگی‌های شخصیتی مادر و عوامل تنش‌زای دوران بارداری با اختلال اضطرابی کودکان رابطه وجود دارد.

همچنین می‌توان گفت که روابط موضوعی مادران برای برقراری روابط انسانی است که در سال‌های نخست زندگی شکل می‌گیرد. کیفیت روابط موضوعی میراثی است که فرد از خانواده خود به دست می‌آورد که این میراث سهم مهمی در توسعه ارتباطات اجتماعی فرد دارد. در تشریح روابط موضوعی باید گفت که به نظر می‌رسد رابطه‌ی فرد با اعضای خانواده از موضوعات اصلی زندگی، مهمترین روابط، پایاترین و تأثیرگذارترین روابط زندگی شخص است که روابط دیگر فرد متأثر از آن است. کیفیت سرمایه‌گذاری روانی بر موضوع‌های اولیه‌ی زندگی که در یک سطح تأمین‌کننده نیازهای کودک هستند و در سطحی دیگر، در قالب مادرگری فضایی را فراهم می‌آورند که دیگری و خود در روان کودک شکل گرفته، متمایز شده و مسیر تحول را در پیش می‌گیرند و سلامت روان فرد را در آینده رقم می‌زند، بنابراین اگر مادران در روابط اولیه خود با والدین مشکلاتی را نداشته و توانسته باشند ارتباطی بدون نقص را با موضوع (مادر خود) برقرار نمایند، لذا در برقراری ارتباط با کودک خویش نیز به طور اثربخش عمل نموده و کودک از ندیدن آنان در کنار خود احساس اضطراب و ترس را تجربه نمی‌نماید، زیرا از ثبات حضور مادر مطمئن است و حس اطمینان در وی شکل گرفته است و در کودکان دارای اختلال اضطراب جدایی این مسئله به صورت عدم اطمینان از بازگشت مادر وجود دارد. آستوتی و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی نشان دادند که دل‌بستگی زیاد والدین باعث کاهش اضطراب جدایی کودکان می‌شود...

پژوهشی با توجه به امکانات و موقعیتی که در آن به اجرا درآمده است دارای محدودیت‌هایی است که تعمیم‌پذیری آن را به جامعه با مشکلاتی همراه می‌سازد. از جمله محدودیت‌های پژوهش نمونه‌گیری در دسترس و حجم پایین نمونه بود. پیشنهاد می‌شود که در مطالعات بعدی، از نمونه‌گیری تصادفی و نمونه‌گیری با حجم بالا استفاده گردد. پژوهش حاضر نشان داد که اضطراب جدایی کودکان دبستانی بر اساس ساختار شخصیت و روابط موضوعی مادران پیش‌بینی می‌شود. بنابراین پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آتی کودکان

پیش بینی اضطراب جدایی کودکان دبستانی بر اساس ساختار شخصیت و روابط موضوعی مادران  
Predicting separation anxiety in primary school children based on mothers' personality structure and thematic relationships

در رده سنی بالاتر مورد سنجش قرار گیرند که توانایی پاسخدهی به پرسشنامه ها را داشته باشند. همچنین پیشنهاد می‌گردد در مهد کودک ها و مراکز بهداشت که محل حضور مادران و فرزندان آنهاست کلاس های آموزشی در مورد اهمیت نوع رابطه والدین کودک و ساختار شخصیت شان بر سلامت روانی فرزندان گذاشته شود تا والدین از اهمیت نحوه روابط خود با کودکان و ساختار شخصیت شان خود در آینده فرزندان شان آگاه شوند.

## منابع

- احمدی، ف؛ سرفراز، م.ر؛ کاظمی رضایی، ع. (۱۳۹۹). نقش تشخیصی روابط موضوعی و مکانیزم های دفاعی در افراد مبتلا به مصرف مواد افیون، مواد محرک و بهنجار. *فصلنامه علمی اعتیادپژوهی*. ۱۴(۵۵): ۱۹۲-۱۶۹. URL: <http://etiadpajohi.ir/article-1-2279-fa.html>
- ذراتی، ا؛ برماس، ح؛ ثابت، م. (۱۳۹۹). همبستگی ترومای کودکی و ایده پردازی خودکشی با میانجیگری درد روانی و روابط موضوعی. *فصلنامه مدیریت ارتقای سلامت*. ۹(۳): ۴۸-۳۴. URL: <http://jhpm.ir/article-1-1143-fa.html>
- شفیع زاده، ر. (۱۳۹۱). *رابطه تاب‌آوری با پنج عامل بزرگ شخصیت*. دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، ۱۳(۴۹): ص ۹۵-۱۰۲. <http://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?id=175988>
- صفایی راد، ا؛ غلامعلی لواسانی، م؛ افروز، غ.ع. (۱۳۹۷). بررسی رابطه ویژگی های شخصیتی مادران با سلامت روان و میزان خلاقیت فرزندان دختر. *پژوهشنامه زنان*، ۹(۱): ص ۱۰۱-۱۲۲. <http://ensani.ir/fa/article/>
- طلایی نژاد، ن. (۱۳۹۷). مقیاس سنجش اضطراب جدایی (فرم والدین): روش اجرا و نمره گذاری (نسخه فارسی). *روانشناسی تحولی (روانشناسان ایرانی)*، ۱۴(۵۵): ص ۳۴۳-۳۴۶. <https://www.sid.ir/fa/journal>
- فتیحی آشتیانی، ع. (۱۳۹۸). *آزمون های روان شناختی- جلد اول: ارزشیابی شخصیت و سلامت روانی*. انتشارات: بعثت. <https://www.adinehbook.com/gp/product/6005116274>
- میرصادقی، س؛ سهرابی، ف؛ اسکندری، ح؛ برجعلی، ا؛ فرخی، ن.ع. (۱۳۹۶). تدوین مدل ساختاری شیوه های فرزندپروری مادران بر اساس سبک های دلبستگی و کیفیت روابط موضوعی آنان در میان مادران با فرزندان عادی و مبتلا به اختلال های اضطراب جدایی و وسواس-اجبار. *فرهنگ مشاوره و روان درمانی (فرهنگ مشاوره)*، ۸(۳۰): ص ۱۹۴-۱۳۱. [nsani.ir/fa/article/](http://nsani.ir/fa/article/)
- A'diilah, N. & Somantri, I. (2016). Efektifitas Terapi Mendongeng terhadap Kecemasan Anak Usia Toddler dan Prasekolah Saat Tindakan Keperawatan. *Journal Keperawatan Padjajaran*. 4 (3): 248-254. <https://doi.org/10.24198/jkp.v4i3.287>
- Alpert J.(2014). Object Relations Theory. *Am J Psychiatry*;147(7):961--962. doi: 10.1176/ajp.146.12.1552.
- Astuti, U., Hartono, H., & Sunawan, S. (2020). The Influence of Parental Attachment toward Early Childhood Children's Separation Anxiety. *Journal of Primary Education*, 9(5), 501-510. DOI [10.15294/JPE.V9I5.43210](https://doi.org/10.15294/JPE.V9I5.43210)
- Carvalho, LdF. Pianowski, G & Gonçalves, AP(2020). Personality differences and COVID-19: are extroversion and conscientiousness personality traits associated with engagement with containment measures? *Trends Psychiatry Psychother* ; 42(2): 179-184. doi: 10.1590/2237-6089-2020-0029.
- Grazzani, I., Ornaghi, V., & Crugnola, C. R. (2015). Emotion comprehension and attachment: A conversational intervention with school-aged children. *European Review of Applied Psychology* 65(6): pp 267-274. <https://doi.org/10.1016/j.erap.2015.10.004>
- Hu, Y. Cai, Y. Tu, D. Guo, Y & Liu, S.(2020). Development of a Computerized Adaptive Test for Separation Anxiety Disorder Among Adolescents. *Frontiers In Psychology*, 11, 1-11. doi: 10.3389/fpsyg.2020.01077
- Lim, HJ & Boon, BH.(2019). A Study on the Experience of Changes through Participation in the Parent Education Program for the Mothers of Play Therapy Child Clients.: Focusing on Winnicott's Object Relation Theory. *Journal koaj* ,25(1), p 637-659. doi: 10.1016/j.pedn.2021.04.018
- McCarthy,P & Taylor, K. (2015). Child- parent relationship therapy for adoptive families. *Family Journal*, 20 (4):419-426. <https://doi.org/10.1177/1066480712451242>
- Mund, M., Jeronimus, B. F., & Neyer, F. J. (2018). Personality and social relationships: As thick as thieves. In C. Johansen (Ed.), *Personality and disease*, 153-183. <https://doi.org/10.1016/B978-0-12-805300-3.00009-8>
- Orgilés, P., M. Penosa, P., P. Morales, P., A. Fernández-Martínez, P., I & Espada, P., J. (2018). Maternal Anxiety and Separation Anxiety in Children Aged Between 3 and 6 Years: The Mediating Role of Parenting Style. *Journal of Developmental & Behavioral Pediatrics*, 39(8), pp.621-628. doi: 10.1097/DBP.0000000000000593
- Song, AR, Song, SM & Lee, SR.(2015). The Effects of Infants' Temperament, Teachers' Sensitivity, and Mothers' Separation Anxiety on the Infants' Child Care Center Adjustment. *Journal koaj*, 5(1), p.37. <https://scholar.google.com/schola>
- Wayt, E.; Wein, J. A. (2015). *Socialization in the context of the family:Parent-child interaction*. In handbook of child psychology. Vol 4. Socialization, personality, and social development, Hetherington EM (ed). 1-110. DOI: [10.4236/oalib.1107596](https://doi.org/10.4236/oalib.1107596)